

شیوه های فرهنگی - ارتباطی پیامبر صلی الله علیه و آله در عهد مکی

دکتر محسن الویری *

چکیده: در این مقاله پس از بحثی کوتاه درباره منابع و واژگان تبلیغی، فعالیتهای تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله در عهد مکی حول سه محور الف: مراحل دعوت، ب: روشهای دعوت و جهت گیری ها و ج: دستاوردها مورد بررسی قرار گرفته است. مراحل دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه عبارت بودند از: ۱. مرحله آغاز رسالت ۲. مرحله دعوت محدود و ارتباط فردی و چهره به چهره، ۳. مرحله دعوت گسترده و شروع ارتباط گروهی تا هجرت به حبشه، ۴. مرحله پس از هجرت گروهی مسلمانان به حبشه تا هجرت عمومی به مدینه. مهم ترین ابزارها و روشهای فرهنگی - ارتباطی پیامبر صلی الله علیه و آله در مراحل یاد شده عبارت بود از: قرآن کریم، ابداع نهادها و نمادهای جدید ارتباطی و معرفی منطقی و استدلالی دین جدید، بهره گیری از ایام حج و تماس با تازه واردان به مکه و عرضه دعوت بر قبائل مختلف، خطابه و جهت گیری و دستاوردهای تبلیغی سیزده سال کوشش پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه نیز عبارت بود از: تربیت روحی و روانی مردم و تحول فرهنگی در جامعه، نشان دادن جهانی بودن دعوت، کشاندن دعوت به مرزهای بیرون مکه و زمینه سازی برای فراگیر کردن آن و اثبات لزوم انعطاف پذیری در بهره گیری از ابزارها و روشهای تبلیغی دینی.

واژه های کلیدی: دعوت، تبلیغ، پیامبر صلی الله علیه و آله، دین و ارتباطات، ارتباطات

فردی، ارتباطات گروهی

مقدمه:

یکی از جنبه‌های زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله که تاکنون توجه شایسته و بایسته‌ای به آن نشده حیات تبلیغی آن حضرت است؛ یعنی تأمل در روشهای فرهنگی - ارتباطی که به کار بستن آن موجب شد تا ساکنان عرب نواحی مرکزی شبه جزیره عربستان با دست کشیدن از باورهای دیرینه و گرویدن به آیینی نو زندگی جدیدی را آغاز کنند.

این مقاله گام نخست برای بازکاوی تجربه‌های فرهنگی و ارتباطی در عهد نبوی است و رویکرد آن بیشتر رنگ تاریخی دارد تا فرهنگی و ارتباطی. در نتیجه به جای پرداختن به مباحث نظری فرهنگ و ارتباطات به مفهومی کلی و متعارف از این دو مقوله بسنده شده و تلاش شده است گزارشی از مصادیق شیوه‌های فرهنگی - ارتباطی حضرت ختمی مرتبت به دست داده شود. صرف نظر از منابع تاریخی دست اول و مصادری که در لابلای مطالب خود نکاتی را نیز درباره فعالیت‌های تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه مطرح ساخته‌اند تنها تعدادی اندک از منابع جدید تمام یا بخشی از مطالب خود را به بررسی و گزارش فعالیت‌های تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه اختصاص داده‌اند که از آن میان می‌توان به این منابع اشاره کرد: کتاب *منهج الدعوة النبویه فی المرحله المکیه* نوشته علی بن جابر الحریری که ظاهراً تنها کتاب مستقلی است که در این زمینه نوشته شده است؛ فصل دوم کتاب *تاریخ گسترش اسلام* از توماس آرنولد (آرنولد، ۳۴-۹)؛ فصل آخر کتاب *خطوات علی طریق الاسلام* نوشته علامه سید محمدحسین فضل‌الله (فضل‌الله ۱۴۰۲ ق، ۳۳۷-۳۱۴)؛ کتاب *الاعلام فی صدر الاسلام* تألیف عبداللطیف حمزه (حمزه، ۱۳۶-۱۰۳)؛ کتاب *تاریخ الدعوة الاسلامیه فی زمن الرسول صلی الله علیه و آله وسلم و الخلفاء الراشدین* نوشته جمیل عبدالله المصری و کتاب *الحرب النفسیه ضد الاسلام* فی مکه اثر عبدالوهاب کحیل^۱ که مؤلف در آن فعالیت‌های روانی

مشرکان بر ضد پیامبر ﷺ را بررسی کرده و از روش برخورد و مقابله پیامبر ﷺ با آنان نیز سخن به میان آورده است.

در فرهنگ دینی ما به ویژه در قرآن واژگان متعددی وجود دارد که به فعالیت‌های فرهنگی - ارتباطی اشاره دارد و هنوز تحقیقی یکجا و درخور برای نشان دادن رابطه این واژه‌ها و تفاوت آنها با یکدیگر صورت نگرفته است.

در این مقاله "دعوت" به مفهومی مترادف با واژه "تبلیغ" در زبان فارسی به کار رفته است که بر ساز و کارهای فرهنگی - ارتباطی تکیه دارد.^۲

مراحل اصلی دعوت پیامبر ﷺ

عده‌ای از نویسندگان در آثار خویش به تقسیم‌بندی مراحل دعوت ﷺ پرداخته‌اند. «ابن قیم جوزیه» مراحل دعوت پیامبر ﷺ را چنین برشمرده است: مرحله اول: نبوت؛ مرحله دوم: انذار عشیره اقرب؛ مرحله سوم: انذار قوم؛ مرحله چهارم: انذار عرب؛ مرحله پنجم: انذار هر که دعوت به او برسد از جن و انس تا پایان جهان. (الحربی، ص ۱۹۸). «احمد شلبی» نیز دعوت پیامبر ﷺ را به سه مرحله تقسیم کرده است (الحربی، ۲۰۱-۲۰۰): ۱. مرحله دعوت فردی که همان مرحله دعوت مخفی است: یا ایها المدثر قم فأنذر (مدثر، ۲۱ و ۲). ۲. مرحله دعوت بنی عبدالمطلب: و أنذر عشیرتک الاقربین (شعرا، ۲۱۴) ۳. دعوت عمومی: فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشرکین (حجر، ۹۴). همچنین ابوزهره دعوت را به سه مرحله بیت نبوت، عشیره و دعوت عمومی در میان قریش تقسیم کرده است (ابوزهره، ج ۱، ۵۷۳) و نویسنده دیگری تقسیم‌بندی زیر را از مراحل دعوت ارائه داده است (الحربی، ۲۰۴): ۱. مرحله عمل مخفیانه: قم فأنذر و ربک فکبر (مدثر، ۳ و ۲) ۲. مرحله آغاز دعوت آشکار: و أنذر عشیرتک الاقربین (شعرا، ۲۱۴) ۳. مرحله دعوت عرب: لتنذر أم القرى و من حولها (شوری، ۷) ۴. مرحله دعوت در

سطح همه انسانها؛ لتخرج الناس من الظلمات الى النور (ابراهیم، ۱). سیوطی در الجامع الصغیر به صورت تلویحی مراحل دعوت را به دو مرحله مخفی و علنی تقسیم کرده است (عمار، ج ۲، ص ۲۳). در کتاب تاریخ الدعوه الاسلامیه نیز مراحل دعوت به دو بخش کلی مرحله مخفی و مرحله علنی تقسیم شده است (المصری، ۸۹-۸۴). مؤلف کتاب منهج الدعوه النبویه فی المرحله المکیه نیز مراحل زیر را به عنوان مراحل دعوت برشمرده است (الحربی، ۲۱۳-۲۰۹). ۱. مرحله مخفی که خود از دو مرحله و روش تشکیل می‌شود: الف. ارتباط فردی و ب. اجتماع و تشکل در منزل ارقام بنی‌ابن‌ارقم ۲. مرحله دعوت علنی که خود از چند مرحله فرعی تشکیل می‌شود: الف. دعوت بنی‌عبدالمطلب و بنی‌عبدمناف که آغاز مرحله دعوت آشکار است. ب. دعوت همه قریش ۳. مرحله فرق نهادن میان حق و باطل و اعراض از مشرکین: فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین (طه، ۱۳۲ و حجر، ۹۴). سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به طائف و عرضه دعوت خویش بر قبائل در این مرحله از دعوت واقع شد. ۴. مرحله عمومیت یافتن رسالت برای همه مردم: قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً (اعراف، ۱۵۸).

هر یک از دیدگاه‌های یاد شده - با وجود مشترکات زیاد - از زاویه‌ای خاص به مراحل دعوت نگریسته است. ما نیز در این مقاله مراحل دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را به: ۱. مرحله آغاز رسالت ۲. مرحله دعوت محدود یا آنچه دعوت مخفی نامیده می‌شود ۳. مرحله دعوت گسترده تا هجرت به حبشه ۴. مرحله پس از هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه تا هجرت به مدینه تقسیم کرده و در ادامه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مرحله آغاز رسالت

درباره آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و همزمانی آن با بعثت آن حضرت یادآوری این نکته ضروری است که طبق نقل مشهور نخستین آیه نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله: اقرأ باسم ربک

الذی خلق (علق، ۱) بود (طباطبایی، ج ۲۰، ۳۲۳). حفظ کلمه اقرأ به عنوان بخشی از آیه، در حقیقت اثبات و نشان دادن جنبه و هویت ارتباطی دین اسلام است. زیرا در محاورات معمولی وقتی به کسی گفته می‌شود فلان مطلب را بگو یا تکرار کن (مثلاً یک معلم در کلاس درس خطاب به شاگردان خود) مخاطب در مقام اجرای دستور کلمه "بگو" یا "تکرار کن" را تکرار نمی‌کند، ولی در اولین خطاب جبرئیل به پیامبر ﷺ که دعوت به خواندن متنی بود که ﷺ خواندن آن را نمی‌دانست، خود کلمه "اقرأ" نیز به عنوان بخشی از آیه قرآن باقی مانده است تا شاید اندیشه محدود نبودن وظیفه تبلیغ و ارتباط دینی به پیامبر ﷺ و لزوم مشارکت همه مخاطبان مستقیم و غیرمستقیم وحی در فرایند ارتباطی انتقال معارف الهی مورد تأکید قرار گیرد و وظیفه مستمر رساندن "اسم رب" به دیگران همواره در ذهن دریافت کننده قرآن - چه دریافت کننده نخستین و چه تلاوت کنندگان آینده - باقی بماند. این نکته ظریف تبلیغی در سوره‌هایی که با کلمه "قل" آغاز می‌شود و دیگر آیاتی که در بردارنده اینگونه تعابیر است، نیز به چشم می‌خورد. تأکید می‌نماید بحث درباره جوهره ارتباطی دین اسلام و تحلیل آموزه‌های دینی و تجربه تاریخی مسلمانان از این منظر فرصتی مبسوط و مستقل می‌طلبد.

مرحله دعوت محدود

نخستین مرحله دعوت پیامبر ﷺ به مرحله دعوت مخفی معروف است.^۳ ادعای مخفی بودن نخستین مرحله دعوت پیامبر ﷺ - از دیدگاه قائلان به مخفی بودن دعوت - با قرائنی همراه است: از جمله گفته شده است که وقتی صهیب و عمار بن یاسر به همراه هم به منزل ﷺ رفتند و پس از شنیدن آیاتی از قرآن اسلام آوردند آن روز تا غروب در منزل پیامبر ﷺ ماندند و در تاریکی شب به صورت پنهانی از منزل بیرون آمدند تا دیده نشوند^۴ (ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۱۷۷). یکی از اسلام‌شناسان معاصر با مفروض گرفتن مخفی بودن ارتباطات دینی پیامبر ﷺ در آغاز رسالت، پنهان ماندن ایمان

ابوطالب را تا پایان عمر ادامه مخفی بودن ایمان یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در سالهای نخست دعوت دانسته است. (فضل الله، ۱۳۶۷، ۳۱۵)

درباره علت مخفی بودن دعوت در سه سال نخستین دعوت، تحلیل صریح و روشنی در منابع وجود ندارد ولی آن چه به ذهن تبادر می‌کند ترس از سرسختی مشرکان و خطرآتی بود که متوجه دعوت نوپای اسلامی می‌شد. یکی از نویسندگان معاصر راز مخفی بودن دعوت را نیاز به فرصت و فضای کافی برای سازماندهی دعوت دانسته است (الحربی، ۱۸۹).

ولی با این همه، ابهام‌هایی در زمینه مخفی بودن دعوت در این مدت وجود دارد و این ادعای مشهور از چند نظر محل تردید است. صرف‌نظر از آن چه درباره جوهره ارتباطی دین اسلام گفته شد، این هویت ارتباطی و تبلیغی با فعالیت مخفی چندین سازگاری ندارد؛ قرائن تاریخی دیگر نیز مخفی بودن دعوت در سه سال نخست بعثت را زیر سؤال می‌برد. نخست اختلاف اقوالی است که درباره مدت دعوت مخفی وجود دارد: گروهی این مدت را تنها یک ماه و گروهی چهار سال و گروهی دیگر نیز آن را سه سال دانسته‌اند که نظر اخیر شهرت بیشتری دارد (الحلبی الشافعی، ج ۱، ۲۸۳). طبیعی است این اختلاف اقوال می‌تواند نمایانگر استوار نبودن اساس ادعا باشد. همچنین درباره مفهوم مخفی بودن دعوت در این دوره تحلیل و سخن روشنی از سوی مورخان و سیره‌نویسان ارائه نشده است. در کتاب *السیره الحلبیه* جمله‌ای وجود دارد که مخفی بودن دعوت را به این معنا دانسته که تازه مسلمانان برای اقامه نماز به دره‌های اطراف مکه می‌رفتند و نماز خواندن خود را از دیدگان مشرکان پنهان می‌داشتند. نکته دیگر آیاتی مانند: قم فأنذر (مدثر، ۲) در سومین سوره نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی سوره مبارکه مدثر است.^۶ انذار در لغت به معنای اعلام است (ابن منظور، ج ۱، ۱۰۲) در این آیه که قطعاً در ماه‌ها یا روزهای اول بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن حضرت فرو فرستاده شده^۷

خداوند پیامبر ﷺ را به برخاستن و اعلام دعوت خویش دستور داده و این دستور آشکار با اعتقاد به مخفی بودن دعوت چندان سازگار به نظر نمی‌رسد. همچنین دعوت به صبر در سوره القلم که دومین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است: فاصبر لحکم ربک (القلم، ۴۸) و نیز در سوره مزمل که ظاهراً سومین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است: و اصبر علی ما یقولون و اهرهم هجرأ جمیلاً (مزمل، ۱۰) و سوره مبارکه مدثر که ظاهراً چهارمین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است: و لربک فاصبر (مدثر، ۷) و نیز نزول سوره عصر در سالهای نخست بعثت (ظاهراً دوازدهمین سوره نازل شده) که در آن به صراحت از توصیه به حق و توصیه به صبر سخن به میان آمده با مخفی بودن ارتباطات پیامبر ﷺ - که علی‌القاعده هنوز با ایذاء و آزار مشرکان روبرو نشده است - چندان سازگار نیست.^۸ اگر درباره برخی آیات سوره‌های قلم و مدثر و مزمل قائل به عدم نزول یک جای آنها باشیم و نزول این آیات را در مرحله عمومی شدن دعوت بدانیم، طبعاً چنین اعتقادی درباره سوره مبارکه عصر درست نیست. نکته دیگر این که گرچه ابن هشام نیز سخن از مخفی بودن دعوت در سه سال نخست بعثت به میان آورده ولی خود او پیش از سخن گفتن درباره این موضوع تصریح کرده است که:

«ثم دخل الناس فی الاسلام ارسالاً من الرجال و النساء، حتی فشا ذکر الاسلام بمکه و تحدث به، ثم ان الله عزوجل امر رسوله صلی الله علیه و سلم ان یصدع بما جاء منه و ان ینادی الناس بأمره و ان یأدعو الیه و کان بین ما أخفی رسول الله صلی الله علیه و سلم أمره و استتر به الی امره الله تعالی باظهار دینه ثلاث سنین - فیما بلغنی - من معته» (ابن هشام، ج ۱، ۲۸۰)

یعنی حتی پیش از علنی شدن دعوت گروههایی از مردان و زنان به اسلام گرویده بودند و اسلام در مکه پراکنده شده بود و لذا صدر جمله ابن هشام بنا ذیل سخن او چندان سازگاری ندارد. همچنین در پاره‌ای از منابع تاریخی آمده که مردی به نام عقیف

که در اوایل بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه سفر تجاری کرده بود و میهمان عباس بن عبدالمطلب بود نقل کرده که مردی را دیدم که به مسجد آمد و رو به کعبه نماز گزارد و سپس زنی به دنبال او آمد و با او همراه شد و پس از او نیز پسر بچه‌ای چنین کرد. من از عباس پرسیدم این چه دینی است؟ عباس گفت: این محمد بن عبدالله است که گمان می‌برد خداوند این دین را برای او فرستاده است و نیز گمان می‌برد که گنج‌های خسرو و قیصر بر او گشوده خواهد شد و این همسرش خدیجه بنت خویلد به او ایمان آورده است و این نوجوان پسر عموی او علی ابن ابی طالب نیز به او ایمان آورده است. عقیف به هنگام نقل این ماجرا می‌گفت ای کاش من هم در آن زمان ایمان می‌آوردم تا سومین ایمان آورنده باشم (طبری، ج ۲، ۵۷-۵۶). نماز خواندن آشکار پیامبر صلی الله علیه و آله و تازه ایمان آوردگان به حضرتش در کنار کعبه که در این روایت تاریخی آمده با اعتقاد به مخفی بودن دعوت در این سالها سازگار نیست. نکته دیگری که اعتقاد به مخفی بودن دعوت در این سالها را با دشواری روبرو می‌کند این است که نخستین گروندگان به دین نیز بلافاصله پس از اسلام آوردن وظیفه ایجاد ارتباط با دیگران و تبلیغ را بر دوش می‌کشیدند.^۹

با تکیه بر مطالب گفته شده اعتقاد به مخفی بودن ارتباطات و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در سه سال نخست با قرائن تاریخی سازگاری ندارد و به نظر می‌رسد ویژگی اصلی دعوت در این سالها را باید محدود بودن آن دانست و نه مخفی بودن آن و مراد از این محدودیت نیز تکیه پیامبر صلی الله علیه و آله بر شیوه ارتباطی چهره به چهره است، بدین معنا که پیامبر صلی الله علیه و آله صلی الله علی و آله و سلم تنها در پی فراخواندن و جذب افراد برگزیده به دین خود بود و برای بر هم زدن نظام اجتماعی حاکم بر مکه و برقراری نظامی نو، تلاشی مستقیم به عمل نمی‌آورد و به سراغ شیوه ارتباطی گروهی یا ارتباط جمعی نرفت.

مرحله گسترش دعوت

دومین مرحله دعوت پیامبر ﷺ مرحله گسترش دعوت و روی آوردن پیامبر ﷺ به شیوه‌ی ارتباط گروهی است که معمولاً مرحله علنی شدن نامیده می‌شود. ورود به این مرحله، به معنی کنار گذاشتن کامل روش ارتباطی فردی و چهره به چهره نبود. معروف است که در آستانه گسترده‌تر شدن دعوت پیامبر ﷺ، آیه زیر خطاب به پیامبر ﷺ نازل شد: و أنذر عشیرتک الأقربین و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین (شعرا، ۲۱۴ و ۲۱۵). پیامبر ﷺ اقربای خویش را به منزل خود دعوت کرد و فرمود غذایی آماده کردند و پس از صرف غذا در جمع میهمانان - که حدوداً چهل نفر بودند - چنین گفت: ای فرزندان عبدالمطلب قسم به خدا من در میان عربها جوانی را نمی‌شناسم که برای قومش چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام آورده باشد که خیر دنیا و آخرت شما در آن باشد و خداوند به من دستور داده است که شما را به سوی آن بخوانم. سپس افزود کدام یک از شما مرا مدد می‌رساند تا برادر و وصی و خلیفه من باشد؟ همه روی برگرداندند و تنها امیرالمؤمنین علی علیه السلام به این درخواست پاسخ مثبت داد.^{۱۱}

شروع دعوت محدود پیامبر ﷺ از اطرافیان نزدیک و اعضای خانواده خود در آغاز رسالت و دعوت از اقوام و خویشان نزدیک (عشیرتک الاقربین) در مرحله گسترده شدن دعوت دارای پیامدهای مثبت فرهنگی ود و بدون تردید در سهولت پذیرش دعوت پیامبر ﷺ از سوی دیگران مؤثر واقع شد. این روش تبلیغ یعنی دعوت در درون و سپس گستراندن آن در برون را که موجب تسریع در گسترش دعوت می‌شود مانند سنگی شمرده شده است که به درون آب انداخته می‌شود و موجب پدید آمدن حلقه‌های موازی و دایره‌های متحدالمركز گرد خود می‌شود (حمزه، ۹۴-۹۳).^{۱۱}

با شروع مرحله دوم دعوت پیامبر ﷺ و استفاده آن حضرت از شیوه ارتباط گروهی ، تعداد مسلمانان رو به فزونی نهاد و دشواری‌ها و مشکلاتی جدید که نیازمند تدبیر و

چاره‌جویی بود رخ نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله و تازه مسلمانان که برای نماز به دره‌های اطراف مکه می‌رفتند وقتی با دشواری‌های بیشتری روبرو شدند تصمیم گرفتند مکانی را در درون شهر برای عبادت برگزینند و پیامبر صلی الله علیه و آله منزل ارقم این ابی ارقم را نزدیک خانه کعبه و در پای کوه صفا برای این منظور برگزید و در آن منزل علاوه بر خواندن نماز، دین و قرآن آموزش داده می‌شد (ابن هشام، ج ۱، ۲۶۳). مدت بقای پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در این منزل را تا رسیدن تعداد اسلام آوردندگان به چهل نفر ذکر کرده‌اند (الحلبی الشافعی، ج ۱، ۲۸۳).^{۱۱} برخی از نویسندگان معاصر نقش مهمی برای این منزل در ایام گسترده شدن دعوت اسلام قائل شده‌اند و سکونت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن را نقطه عطفی در تبلیغ اسلام در مکه و اسلام آوردن بسیاری از مردم دانسته‌اند (آرنولد، ۱۲). پیش از این نیز پیامبر صلی الله علیه و آله به ویژه در سه سال نخست دعوت از منزل خویش برای دعوت استفاده می‌کرد. صرف‌نظر از خدیجه و علی علیه‌السلام و زید بن حارثه که در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آوردند صهیب بن سنان رومی و عمار بن یاسر نیز در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آوردند. (ابن عبدالبر، ج ۱، ۱۷۷)

از مهم‌ترین ویژگی‌های این مرحله از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله درافتادن با نظام اجتماعی فاسد حاکم بر مکه بود که در نتیجه مشرکان نیز از ترس به خطر افتادن و از دست رفتن موقعیت‌ها و امتیازهای اجتماعی خود رفته رفته به فکر مقابله با پیامبر صلی الله علیه و آله و دعوت او افتادند. اخبار تکان دهنده‌ای درباره‌ی آزار و شکنجه‌ی تازه مسلمانان از سوی مشرکان قریش در این دوره در دست است^{۱۲} (ابن سعد، ج ۳، ص ۲۳۳). مشرکان زره آهنی بر اندام مسلمانان می‌پوشانیدند و آنها را در این وضعیت در آفتاب داع نگاه می‌داشتند (الحاکم نیشابوری، ج ۳، ۲۸۴). سمیه مادر عمار زیر شکنجه و با ضربه‌ی خنجر (حربه) ابوسفیان به شهادت رسید (ابن سعد، ج ۳، ص ۲۳۳). گفته شده است پاهای وی را به دو شتر بستند و شتران را در دو مسیر مختلف حرکت دادند (حمزه، ۱۲۶). بلال حبشی

را افزون بر شکنجه‌های متعارف به جوانان می‌سپردند و آنها او را در دره‌های اطراف مکه می‌گرداندند و او همچنان آخذ آخذ می‌گفت (الحاکم نیشابوری، ج ۳، ۲۸۴)؛ ذهبی، ج ۱، ۳۴۸؛ ابن سعد، ج ۳، ۲۳۳) همچنین گفته‌اند شخص پیامبر ﷺ نیز در این مرحله مورد هجوم تبلیغی و روانی مشرکان قریش بود و اتهاماتی مانند سحر بودن قرآن (احقاف، ۷)، ساحر بودن پیامبر ﷺ (یونس، ۲)، اضغاث احلام (انبیاء، ۵) و شعر بودن قرآن (یس، ۶۹)، شاعر بودن پیامبر ﷺ (انبیاء، ۵)، جنون (صافات، ۳۴)، و فراگیری تعالیم دینی از بشر و انکار جنبه وحیانی دین (النحل، ۱۰۳) و القای شبهه در این باره که چرا قرآن بر شخص دیگری نازل نمی‌شود (زخرف، ۳۱) در این مرحله متوجه پیامبر ﷺ شد. مشرکان در این مرحله برای رویارویی با پیامبر ﷺ از روشهایی مانند تحقیر، نیرنگ، ایجاد مانع در مسیر ابلاغ دعوت پیامبر ﷺ، شکنجه و محاصره روانی استفاده می‌کردند (کحیل، ص ۲۱۰-۱۹۵).

سومین مرحله دعوت پیامبر ﷺ در پی این فشارها شکل گرفت و ماجرای هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه در سال ششم بعثت پیش آمد. هجرت حدود ۸۳ نفر از مسلمانان به حبشه با صلاحدید و توصیه پیامبر ﷺ نقشی بسیار مهم در تثبیت دعوت اسلامی ایفا کرد. مشرکان مکه که نگران پیامدهای هجرت مسلمانان بودند با اعزام نمایندگان خود دست به تبلیغ علیه مسلمانان نزد پادشاه حبشه زدند ولی جعفر بن ابی طالب نیز در مقابل به ایراد خطبه‌ای مهم و روشن کننده پرداخت که از نظر تبلیغی قابل توجه است و در جایی دیگر باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.^{۱۴}

قریش در پی ناکام ماندن در مواجهه با هجرت به حبشه، بر سخت‌گیری‌های خود در داخل مکه علیه مسلمانان افزودند و پیمانی برای تحریم مسلمانان در تمامی روابط مهم اجتماعی منعقد ساختند و به خصوص پس از رحلت ابوطالب و خدیجه در سال دهم بعثت بر شدت آزار خود نسبت به شخص پیامبر ﷺ افزودند^{۱۵} تا آنجا که حضرتش

فرمود: "ما نالت منی قریش شیئاً اکرهه حتی مات ابوطالب ثم شرعوا" (ابن کثیر، ج ۳، ۱۳۴) مثلاً یک بار هنگامی که علیه السلام در کنار کعبه مشغول نماز و در سجده بود عقبه بن ابی معیط شکمبه گوسفند یا شتری را آورد و آن را بر کمر پیامبر علیه السلام نهاد و دوستانش از شدت خنده به این سو و آن سو می رفتند و کسی از دوستان پیامبر علیه السلام جرأت نمی کرد آن را از پشت ایشان بردارد تا این که موضوع را به فاطمه دختر پیامبر علیه السلام اطلاع دادند و ایشان شکمبه را از دوش پیامبر علیه السلام برداشت و عاملان این عمل زشت را نفرین کرد (ابن اسحاق، ۱۹۲؛ بخاری، ج ۱۵، ۷۸). همو در نوبتی دیگر در کنار خانه خدا ردای پیامبر علیه السلام را دور گردن حضرت پیچید و سخت فشرد و ابوبکر سر رسید و مانع شد (بخاری، ج ۱۵، ۷۸) و دیگر بار برای خود شیرینی و بنا به تقاضای ابی بن خلف آب دهان به صورت پیامبر علیه السلام افکند. ابوجهل نیز گاه به هنگامی که پیامبر علیه السلام در کنار خانه خدا به سجده می رفت پا بر پشت گردن حضرت می گذاشت (ابن اسحاق، ۲۱۳). گفته شده است که غیر از ابوجهل و ابولهب و عقبه بن ابی معیط که به ایذاء و آزار پیامبر علیه السلام می پرداختند (الحربی، ۳۴۹-۳۳۱) افراد زیر نیز که همسایه پیامبر علیه السلام بودند در زمره آزاردهندگان پیامبر علیه السلام بودند: حکم بن ابی العاص، عدی بن الحمراء، العاصی بن وائل، أحنس بن شریف، ولید بن مغیره، نضر بن حارث و ابن أصداء هذلی (الحربی، ۳۴۳). پیامبر علیه السلام گاه از بدی همسایگان خود به درگاه خداوند شکایت می برد. (ابن سعد، ج ۱، ص ۲۰۱).

پیامبر علیه السلام این مرحله دشوار دعوت را نیز با تقویت انسجام درونی مسلمانان و انتقال و گرد هم آوردن آنها در شعب ابی طالب پشت سر گذاشت.

مرحله چهارم دعوت پیامبر علیه السلام پس از خروج از شعب ابی طالب شکل گرفت. پیامبر علیه السلام در این مرحله با تلاش مضاعف برای پراکندن دعوت اسلامی و تماس گسترده با زائران خانه خدا و عرضه دعوت خویش بر آنها و جستجو برای یافتن پایگاهی خارج

مکه، سرانجام توانست مرکزیت دعوت اسلامی را به خارج از مرزهای مکه یعنی یشرب منتقل نماید و مرحله‌ای کاملاً نو در این منطقه که در اقدامی نمادین و تبلیغی مدینه النبوی نام گرفته بود آغاز شد.

ابزارها و روشهای فرهنگی - ارتباطی پیامبر ﷺ

با نگاهی به فعالیت‌های فرهنگی - ارتباطی پیامبر ﷺ در مکه به آسانی می‌توان دریافت که آن حضرت از ابزارهای و روشهایی متفاوت و متعدد برای نشر دعوت اسلامی بهره می‌جست. در این بخش از مقاله مهم‌ترین این روش‌ها و ابزارها به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. قرآن کریم: نقش تبلیغی قرآن را از چند نظر می‌توان مورد توجه قرار داد. قرآن مصدر و منشأ و غایت تبلیغ دینی به حساب می‌آید ولی صرف‌نظر از جنبه محتوایی آیات نازل شده در مکه، از نظر کارکردهای فرهنگی - ارتباطی نیز آیات مکی قرآن را حداقل از سه جنبه می‌توان مورد توجه قرار داد: یکی از نظر تأثیر جاذبه‌های لفظی و زیبایی‌های بیانی قرآن در جذب مخاطبان، دیگری از نظر روش معرفی و تبیین دین جدید و سوم از نظر روش برخورد با دشمنان و معاندان و گزافه‌گویی‌های آنها.^{۱۶}

۲. ابداع نهادها و نمادهای جدید ارتباطی: از جمله مسایل مهم و شایان توجه در روش تبلیغ پیامبر ﷺ وضع شعائر دینی و ابتکار نهادها و نمادهایی بود که تا آن زمان رواج نداشت و نقشی مؤثر و مهم در یادآوری معارف دینی و یا تبلیغ و یا فراخوان برای انجام یک آیین دینی داشت. از جمله مسجد، نماز، اذان، اقامه و منبر.^{۱۷} مراد از جنبه تبلیغی داشتن اذان و اقامه این است که با توجه به این که یکی از مهم‌ترین روشهای تبلیغ، القاء از طریق تکرار است در این دو شعار دینی که هر روز پنج بار تکرار می‌شود بسیاری از معارف و تعالیم دینی به صورت کوتاه و موجز مورد تأکید

قرار می‌گیرد.^{۱۸} به ویژه که مستحب است مؤمنان به هنگام شنیدن فرازهای اذان و اقامه آن را تکرار کنند. نکته مهم درباره ابزارها و روشهای ارتباطی پیامبر صلی الله علیه و آله این است که آن حضرت با ایجاد تحول در برخی ابزارها و روشهای موجود آنها را در خدمت اهداف دینی قرار داد. نمونه این ابزارها مراسم حج و خطبه و شعر و قصه است.

۳. معرفی منطقی و استدلالی دین جدید: یکی دیگر از روشهای پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبلیغ دین پیش گرفتن روش بحث منطقی در برخورد با مخاطبان بود. به عنوان مثال وقتی قریش از حصین درخواست کردند که با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت کند تا آن حضرت از بتهای آنها به بدی یاد نکند، وی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و خطاب به ایشان گفت: چه می‌گویید؟ چرا بتهای ما را به بدی یاد می‌کنی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: ای حصین چند خدا را می‌پرستی؟ وی گفت: هفت خدا را در زمین و یک خدا را در آسمان. حضرت پرسید: وقتی زبانی متوجه تو می‌شود کدام یک را می‌خوانی؟ حصین گفت: خدایی را که آسمان است. حضرت فرمود: اگر اموال تو از بین برود کدام یک را می‌خوانی؟ گفت: خدایی را که در آسمان است. حضرت فرمود: هموست که دعای تو را اجابت می‌کند و حال آن که تو برای او شریک قائل می‌شوی. ای حصین اسلام بیاور تا در امان باشی و حصین نیز اسلام آورد (الحلبی الشافعی، ج ۱، ۴۵۵). نمونه‌هایی دیگر از این گفت‌وگوها را مثلاً با عتبه بن ربیع (ابن هشام، ج ۱، ۳۱۴-۳۱۳) به نمایندگی از قریش و یا با ابوطالب که حامل پیام‌های قریش بود در منابع می‌توان یافت.

۴. بهره‌گیری از ایام حج و تماس با تازه‌واردان به مکه و عرضه دعوت بر قبایل

مختلف: در همان سالهای نخست گسترده شدن دعوت، پیامبر صلی الله علیه و آله از موسم حج برای نشر دعوت خویش بهره می‌جست. ابن هشام گزارشی بالنسبه مبسوط از این روش ارتباطی پیامبر صلی الله علیه و آله که نهایتاً به هجرت آن حضرت نیز انجامید ارایه داده است.^{۱۹} دعوت ولید بن مغیره از قریش برای وحدت موضع در قبال پیامبر صلی الله علیه و آله در ایام حج^{۲۰} نشان دهنده

نگرانی قریش از بهره‌برداری‌های پیامبر ﷺ از ایام حج است. پیامبر ﷺ افراد سرشناسی را که دارای نفوذ در میان قوم خود بودند وقتی به مکه می‌آمدند شناسایی و با آنها ارتباط برقرار می‌کرد. تماس با سوید بن صامت و انس بن رافع ملقب به ابوحسی و ایاس بن معاذ از این جمله است (فارسی، ۳۸۲ و ابوخلیل، ۴۲). از ربیعہ بن عباد نقل شده است که من نوجوانی بودم که همراه پدرم در منی بودم و پیامبر ﷺ را دیدم که به محل اسکان قبائل عرب می‌رفت و خطاب به آنها می‌گفت یا بنی فلان من فرستاده خدا به سوی شما هستم شما را به عبادت خدا و شرک نوزیدن به او و به کنار نهادن هر آنچه غیر از او می‌پرستید می‌خوانم و از شما می‌خواهم که به من ایمان بیاورید و از من حمایت کنید تا آن چه را بدان برانگیخته شده‌ام تبیین نمایم (ابن سعد، ج ۱، ۲۰۰ و ابن کثیر، ج ۳، ۱۴۱-۱۳۸). پیامبر ﷺ در ایام حج به ویژه به محله‌های عکاظ، مجنه، ذوالمجاز، منی و شهر مکه برای ابلاغ دعوت خویش می‌رفت (فارس، ۳۷۱ و طبرسی، ج ۲، ۸۴). تماس با زائران شهر یثرب نیز که به انعقاد پیمان عقبه اولی و ثانیه و سرانجام هجرت مسلمانان و پیامبر ﷺ به شهر یثرب منجر شد در ایام حج و از طریق عرضه دعوت پیامبر ﷺ بر قبائل مختلف صورت گرفت.

۵. خطابه: ظاهراً پیامبر ﷺ در ایام حضور در مکه از این روش کمتر استفاده می‌کردند. شاید مهم‌ترین خطبه آن حضرت در مکه، سخنرانی در آغاز مرحله گسترده‌تر کردن دعوت بر بالای کوه صفا باشد که با صدای بلند قریش را فراخواند. قریشیان گفتند محمد بر بالای کوه صفا فریاد می‌زند و به سوی او آمدند تا ببینند چه شده است. وقتی قریش گرد پیامبر ﷺ آمدند حضرت از آنها پرسید آیا تاکنون شنیده‌اید من دروغ بگویم؟ حاضران یکصدا گفتند نه از تو جز راستی چیزی ندیده‌ایم. حضرتش پرسید اگر به شما خبر بدهم که سپاهی پشت این کوه است آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ همگی گفتند: آری ما به تو گمان بد نمی‌بریم و تاکنون از تو دروغی نشنیده‌ایم. در این لحظه پیامبر ﷺ

تمام توان خود را جمع کرد و به آنها گفت: پس بدانید که من هشدار دهنده به یک عذاب شدید هستم، سپس تمام توان خود را جمع کرد و با فریاد بلند گفت: ای بنی عبدالمطلب، ای بنی عبدمناف، ای بنی زهره، ای بنی تمیم، ای بنی مخزوم، ای بنی اسد همانا خداوند به من دستور داده است که عشیره و خاندان نزدیک خود را انذار دهم و من مالک چیزی برای دنیا و آخرت شما نیستم جز اینکه بگویم لا اله الا الله. سپس آنها را به ترک بت پرستی و دوری از فواحش و ایمان به خداوند و پیمودن راه خیر دعوت کرد. نقل دیگری از این ماجرا این اجتماع را در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله و همراه با صرف غذا می‌داند (طبری، ج ۲، ۶۴-۶۱). پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه و پیش از استقرار در این شهر به ایراد خطبه در نماز جمعه پرداخت.^{۲۱}

۶. بر پا داشتن شعائر دینی به صورت آشکار: رفتار دیگری که کارکرد تبلیغی و ارتباطی مهمی داشت اقامه نماز از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت آشکار در کنار کعبه بود. برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در بیرون منزل خود به صورت آشکار و با صدای بلند به نماز و دعا و گریه می‌پرداختند و کودکان و زنان برای تماشای آن گرد می‌آمدند و سران قریش نگران تاثیر پذیری تماشا کنندگان بودند (ابن هشام، ج ۲، ۱۳).

۷. ارائه الگوی عملی اخلاقی: بدون تردید از جمله عوامل بسیار مهم در سرعت گسترش دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله ارائه الگویی عملی از رفتار و منش و شخصیت خود بود. اسوه حسنه‌ای که بعدها قرآن نیز بر آن تأکید کرد.^{۲۲}

۸. حضور در اجتماعات قریش: پیامبر صلی الله علیه و آله در اجتماعات قریش نیز حاضر می‌شد (طبری، ج ۲، ۷۷) طبعاً این مسأله می‌توانست زمینه ساز صحبت‌ها و برخوردهای فرهنگی مناسب باشد.

۹. هجرت: هجرت مسلمانان به حبشه را باید یکی دگر از روشهای تبلیغی اسلام شمرد که از چند نظر قابل توجه است: ۱. یافتن فضایی مناسب برای آرامش و آسایش

مسلمانان و انجام آزادانه شعایر دینی ۲. گستراندن مرزهای دعوت اسلامی و تلاش برای انتشار اسلام. به عنوان مثال در ماجرای هجرت به حبشه ظاهراً مسلمانان توانستند جمعی از اشراف حبشه را به دین اسلام بگروانند.^{۲۳} پس از هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه، ابوبکر نیز از پیامبر ﷺ برای هجرت اذن خواست و حضرت به او اجازه داد و او مکه را ترک کرد و به نزد احابیش رفت.^{۲۴}

۱۰. هم‌نشینی با محرومان: از نکات قابل توجه دعوت پیامبر ﷺ تکیه بر مستضعفان

و طبقات پایین جامعه بوده است، مولف کتاب پیامبری و انقلاب می‌نویسد:

“پس از سوره عبس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای تبلیغ به سراغ توانگران و سران و متنفذان قبایل نمی‌رود مگر کسی که از آنان که آمادگی برای پذیرش حق نشان می‌دهد. کفار مکه متوجه این تغییر رویه می‌شوند و از آیاتی که در این خصوص آمده است اطلاع پیدا می‌کنند.” (فارسی، ۲۳۳)

ولی وضعیت زندگی نخستین ایمان آورندگان حکایت از آن دارد که پیامبر ﷺ از همان آغاز دعوت نیز جایگاه و منزلت ویژه‌ای برای توانگران در نظر نگرفته بود. هم‌نشینی پیامبر ﷺ با افسار پایین جامعه تاثیر بسیاری در سرعت گسترش دعوت در میان توده‌های مردم داشت. گفته می‌شود جمعی از اشراف و بزرگان قریش به نزد پیامبر ﷺ رفتند و به او گفتند ما می‌خواهیم به سخنان تو گوش فرا دهیم و در آن تأمل نماییم ولی هم‌نشینی تو با بردگانی که تو را احاطه کرده‌اند و تهیدستانی که شایسته نیست ما در کنار آنها بنشینیم مانع این امر است. ما نزد تو آمده‌ایم که برای ما مجلسی ویژه که بردگان و فقیران در آن نباشند ترتیب دهی. عمر بن الخطاب این نظر را پسندید و حتی ظاهراً برای تهیه مقدمات این مجلس نیز اقداماتی به عمل آمد. ولی با نزول آیاتی از سوره کهف خداوند پیامبر ﷺ را از چنین اقدامی بازداشت (طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ۴۶۵):

“واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداوة والعشى يريدون وجهه ولا تعد عيناك عنهم تريد زينة الحياة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هواه و كان امره فرطاً. و قل الحق من ربكم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر...” (کهف/ ۲۸ و ۲۹)^{۲۵}

۱۱. صبر در برابر آزارها و پرهیز از برخورد تند با آزاردهندگان: بدون تردید نرمخویی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر ایذاء و آزار قریش تأثیر فرهنگی و تبلیغی فراوان داشت و به گسترش دعوت در مکه مدد رساند. قریش به طعنه نام مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را به جای “محمد”، “مذمم” می خواندند و سپس آن بزرگوار را سب و هجو می کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود آیا در شگفت نیستید که خداوند چگونه مرا از آزار قریش در امان می دارد؟ آنها مذمم را سب و هجو می کنند و حال آن که من محمد هستم (ابن هشام، ج ۱، ۳۸۲). پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل خیره سری ها و اذیت و آزار قریش سکوت می کردند و با وجود رفتار ناپسند قریش همچنان آنها را نصیحت می کرد و به رهایی از آنچه در آن گرفتار بودند فرا می خواند (ابن هشام، ج ۲، ۲۲ و ۵۰). شاید هیچ برخورد تند و خشونت آمیز در ایام حضور در مکه از آن حضرت گزارش نشده است. گاه آن حضرت پس از شنیدن سخنان مشرکان و وعده ها و وعیدهای آنان به آن پاسخ می داد و گاه در این پاسخها به قرآن نیز استناد می کرد (ابن هشام، ج ۱، ۳۱۶). آن حضرت حتی در مقابل اهانت هایی مانند پرتاب شکمه گوسفند و سنگ نیز رفتاری تند و خشن در پیش نمی گرفت و با پناه گرفتن زیر سنگی خود را در امان نگاه می داشت و نماز می خواند (طبری، ج ۲، ۷۹). به نوشته مؤلف کتاب الحرب النفسیه ضد الاسلام فی مکه پیامبر صلی الله علیه و آله با جنگ روانی مشرکان مکه به روشهای زیر مقابله نمود: ۱. منسجم کردن جامعه داخلی مکه و بستن راه نفوذ جنگ روانی مانند آنچه در ماجرای شعب ابی طالب شاهد آن هستیم. ۲. پیش

گرفتن سیاست صبر و مقابله ۳. رویارویی با کفار مکه ۴. آهنگ دعوت در سرزمینی دیگر ۵. تألیف قلوب غیرمسلمین (کحیل، ۱۹۴-۱۳۵)

۱۲. نگارش نامه: گرچه پیامبر ﷺ بیشترین بهره‌برداری از شیوه ارتباط مکتوب را به عنوان یکی از روشهای ارتباطی در مدینه داشت ولی به استناد پاره‌ای قرائن، در ماجرای هجرت مسلمانان به مدینه نیز پیامبر ﷺ نامه‌ای به نجاشی نوشت (ابن اسحاق، ۲۱۰) و آن را به وسیله عمرو بن امیه به نزد نجاشی فرستاد و در آن نامه به نجاشی توصیه کرد که به جعفر و یارانش اکرام نماید.^{۲۶}

۱۳. اعزام مبلغ: پیامبر ﷺ به همراه بیعت‌کنندگان از شهر یترب، مصعب بن عمیر را برای خواندن قرآن و بیان احکام و معارف و تعالیم دین اسلام روانه داشت. پیامبر ﷺ بعدها از این روش یعنی اعزام مبلغان برای شناساندن دین مبین اسلام به فراوانی استفاده کرد و بهای سنگینی نیز برای این کار پرداخت. شهادت جمعی از مسلمانان در حادثه رجیع و بئر معونه در سال چهارم هجری در جریان یک اعزام تبلیغی اتفاق افتاد.^{۲۷}

۱۴. بهره‌گیری از زمینه‌های عاطفی و روانی: پیامبر ﷺ از زمینه‌های روانی مناسب برای گسترش دعوت خویش بهره می‌جست.^{۲۸} آن حضرت وقتی در آغاز مرحله دعوت گسترده خود از قریش پرسید: «آیا تاکنون شنیده‌اید من دروغ بگویم؟» (طبری، ج ۲، ۶۱) ذهنیت مثبت مردم درباره خود را سرمایه‌ای برای آماده‌سازی فضای ارتباطی قرار داد تا بتواند با آسانی بیشتری دعوت خویش را عرضه کند. اعتراف و هشدار نضر بن حارث در این زمینه حایز اهمیت بسیار است که گفت:

«یا معشر قریش، انه والله قد نزل بکم امر ما اتیم له بحیله بعد، قد کان محمد فیکم غلاما حدثا: ارضاکم فیکم و اصدقکم حدیثا و اعظمکم امانه...» (ابن هشام، ج ۱، ۳۲۰)

«ای قریشیان! قسم به خدا به پدیده‌ای دچار شده‌اید که تاکنون چاره‌ای برای آن نیندیشیده‌اید، محمد (از همان زمان که) نوجوانی کم سن و سال در میان شما بود از

هیچ کس به انداز او خشنود نبودید و راستگوترین شما و امانتدارترین شما به شمار می‌آمد...»

نتیجه گیری

براساس آموزه‌های تردیدناپذیر دینی، هدف پیامبر صلی الله علیه و آله و دین جدیدی که عرضه نمود تأمین سعادت اخروی بشر براساس گونه‌ای خاص از زندگی در این دنیا بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌بایست هم محتوای فکری لازم در این زمینه را - نه تنها برای مردم عصر خود، بلکه برای همه بشریت - عرضه نماید و هم زمینه جالب توجه و ایجاد رغبت به این دین و پایبندی به تعالیم و احکام آن را در دل مردم ایجاد نماید. بدون شک پیامبر صلی الله علیه و آله برای ارایه نمونه‌ای عملی و قابل تحقق از آن چه بر زبان می‌آورد و یا در لابلا آیات قرآنی منعکس بود باید دست به تشکیل حکومت می‌زد ولی چون محیط مکه ظرفیت لازم را برای این کار از خود نشان نداد به ناچار حضرتش پا از مکه بیرون نهاد و تشکیل جامعه نمونه اسلامی را در شهر مدینه پی گرفت. از این زاویه که به موضوع نگریسته شود مجموع فعالیتهای پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه از دو نظر اهمیت خاص می‌یابد: یکی از نظر نوع تلاش‌های حضرت برای ایجاد علاقمندی و جلب توجه در مردم نخستین جامعه‌ای که مخاطب وحی قرار گرفته‌اند و دیگری از نظر مقدمه و زمینه ساز بودن این فعالیت‌ها برای تشکیل یک جامعه نمونه اسلامی. حال با این مقدمه، در نگاهی کلی، جهت‌گیری، اهداف و نیز دستاوردهای مجموع فعالیت‌های فرهنگی - ارتباطی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه را می‌توان به شرح زیر تحلیل و دسته‌بندی کرد:

الف - تربیت روحی و روانی مردم و تحول فرهنگی: هدف اصلی دعوت

پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، تحول روحی و فرهنگی مردم و برهم زدن نظام فکری موجود و جایگزین کردن یک نظام فکری و فرهنگی جدید بود تا در این مسیر نیروی لازم را برای جامعه اسلامی و نمونه در مدینه تربیت نماید.^{۲۹} محتوای آیات مکی و مقایسه آن

با آیات مدنی و تکیه اصلی آیات مکی بر مسائل اخلاقی و اعتقادی که در متن مقاله به آن اشاره شد می‌تواند تأیید کننده این دیدگاه باشد. از این نکته می‌توان مقدم بودن تربیت فرهنگی بر تشکیل نظام سیاسی را برداشت کرد. همین نکته نیز از مقایسه مفاد فرهنگی و پیمان نخست عقبه (بیعه العقبه الاولی) و مفاد سیاسی و نظامی دومین پیمان عقبه (بیعه العقبه الثانیه) با تازه مسلمانان مدینه برداشت می‌شود.^{۲۰}

ب - نشان دادن جهانی بودن دعوت: فراگیر شدن دعوت و نشان دادن ابعاد جهانی این پیام حتی پیش از هجرت به مدینه نیز مورد توجه بوده است. نزول آیاتی درباره ادیان پیشین و مسلمان شدن گروهی از مسیحیان و نزول آیاتی که با خطاب یا ایها الناس آغاز می‌شوند در این زمینه شایان توجه هستند (فارسی، ۲۷۸-۲۷۵) آیاتی مانند: "و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون" (سبا/۲۸) و "یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً" (اعراف/۵۷) و "ما ارسلناک الا رحمه للعالمین" (انبیاء/۱۰۷) و "تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً" (فرقان/۱). همچنین اسلام آوردن افرادی از دیگر سرزمین‌ها مانند بلال حبشی و صهیب رومی و سلمان فارسی در مکه و سخن الهام‌بخش پیامبر ﷺ درباره آنها که به ترتیب آنها را اولین میوه حبشه و اولین میوه روم و اولین میوه ایران نامید نیز شاهد اصرار پیامبر ﷺ بر نشان دادن ابعاد جهانی دین اسلام است (آرنولد، ۲۴).

ج - کشاندن دعوت به مرزهای بیرون مکه و زمینه‌سازی برای فراگیر کردن

آنها: در اوج مخالفت‌ها و دشواری‌های نشر دعوت، اسلام آرام آرام در میان همه تیره‌های قبیله قریش نفوذ می‌کرد و بر دامنه پیروان آن افزوده می‌شد.^{۲۱}

قراین زیادی حکایت از این می‌کند که سال‌ها پیش از هجرت، خبیر بعثت و رسالت پیامبر ﷺ در دیگر شهرها و قبایل نیز پیچیده بود. به عنوان نمونه طفیل بن عمرو دوسی قبیله دوس را به اسلام فرا خوانده بود (ابن هشام، ج ۲، ۲۴). پاره‌ای از مورخان

از انتشار اسلام در حبشه و اسلام آوردن اشراف حبشه در پی هجرت مسلمانان به این سرزمین خبر داده‌اند (طبری، ج ۲، ۶۹). میزان گسترش اسلام در میان قبایل عرب به حدی بود که قریش - پس از هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه - بر همین اساس و به عنوان یکی از راههای جلوگیری از آن تصمیم به انعقاد پیمان برای تحریم روابط با مسلمانان گرفتند (طبری، ج ۲، ۷۴).

در مدینه نیز ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله به میان بود (ابن هشام، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۲) و به همین دلیل حتی پیش از پیمان‌های عقبه اولی و ثانیه اسلام در مدینه طرفداران و پیروانی یافته بود (ابن هشام، ج ۲، ۷۰). ابن هشام می‌گوید یک سال پیش از پیمان عقبه اولی وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در موسم حج با شش تن از خزرچیان ملاقات کرد و آنها را به اسلام دعوت کرد، آنها اسلام آوردند و پیام‌رسان اسلام در یثرب شدند. اسلام در یثرب به گونه‌ای رواج یافت که هیچ منزلی از منازل مرم این شهر نبود مگر اینکه در آنجا ذکرِی از رسول الله به میان بود.^{۲۲} به نوشته طبری کسانی که از مدینه برای انعقاد پیمان عقبه ثانیه با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات کردند نمایندگان و روسای نو مسلمانان مدینه بودند.^{۲۳}

د - اثبات لزوم انعطاف‌پذیری در بهره‌گیری از ابزارها و روشهای تبلیغ دینی:

همان‌گونه که در متن مقاله به تفصیل نسبی بیان شد پیامبر صلی الله علیه و آله متناسب با شرایط مختلف از ابزارها و روشهای مختلف فرهنگی و ارتباطی برای تبلیغ دینی بهره می‌جست و ضمن حفظ اصول و اهداف دینی هیچ‌گاه با مخاطبان متعدد به روشی واحد و تغییرناپذیر برخورد نمی‌کرد. درس بزرگی که از این خط مشی پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبلیغ دینی در عصر حاضر می‌توان گرفت بر کسی پوشیده نیست.

یادداشت‌ها:

۱. این کتاب با عنوان "نگرشی بر جنگ روانی در صدر اسلام" به زبان فارسی ترجمه شده است.
۲. درباره دلالتها و حیطه‌های مفهومی واژه‌های "تبلیغ" و "دعوت" که برای رعایت اختصار از متن مقاله حذف شده است ر.ک. ال‌توری، ص ۲۳ به بعد؛ خندان، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، صص ۱۵-۵۱ و ۹۴-۹۶؛ المسؤولية الاعلامية في الاسلام، صص ۴۵-۵۲؛ غلوش، ص ۲۲۷ و ص ۲۷۱؛ المصري، ص ۶۲ و علوان، وجوب تبلیغ الدعوة؛ و مدخل DA'WAH در Encyclopedia of Modern Islamic Word بخش اول با عنوان QUR'ANIC CONCEPTS.
۳. یکی از نویسندگان معاصر بدون ذکر سند ادعا کرده است که وقتی پیامبر در نخستین روز بعثت خویش دعوت اسلامی را بر علی(ع) عرضه کرد علی گفت که پس از مشورت با ابوطالب تصمیم خواهم گرفت و پیامبر گفت: یا علی إذا لم تسلم فاکتم یعنی اگر اسلام نمی‌آوری دعوت مرا پنهان کن و آن را فاش نکن. (الحربی، ص ۱۷۸)
۴. ابن سعد، ج ۱، ص ۲۴۷ به نوشته ابن سعد این ماجرا در منزل ارقم اتفاق افتاد.
۵. برخی این سوره را نخستین سوره نازل شده بر پیامبر می‌دانند، ر.ک. سیوطی: الاتقان، ج ۱ ص ۳۲
۶. عده ای حتی اعتقاد دارند که این سوره نخستین سوره نازل شده بر پیامبر است. ر.ک. طبرسی، ج ۵، ص ۳۸۴ و طباطبایی، ج ۲۰، ص ۷۹
۷. برای برداشتهایی تبلیغی از سوره مدثر ر.ک. حمزه، صص ۱۰۹-۱۱۰
۸. درباره دلالت سوره عصر بر وجوب تبلیغ دعوت ر.ک. علوان، صص ۹-۱۰
۹. به عنوان مثال به نوشته ابن هشام ابوبکر بعد از اسلام آوردن، اسلام خویش را آشکار کرد و مردم را به خدا و رسولش دعوت کرد. و کسانی چون عثمان بن عفان و زبیر بن عوام و عبدالرحمن بن عوف و طلحه بن عبیدالله به دست او اسلام آوردند. ر.ک. ابن هشام، ج ۱، صص ۲۶۶-۲۶۹؛ و سخن منقول از رسول اکرم درباره ابوبکر که فرمود: "ما دعوت احداً الی الاسلام الا کانت فیه عنده کبوه..." (ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۹) نیز به صورت تلویحی اشاره به علنی بودن و گستردگی فعالیت تبلیغی پیامبر از همان سالهای نخست بعثت دارد.
۱۰. برای گردآوری خوبی از احادیث اهل سنت در این زمینه ر.ک. الحربی، صص ۱۹۱-۱۹۶.

۱۱. برای بحثی دیگر درباره حکمت شروع گسترده‌تر دعوت از نزدیکان ر.ک. الحربی، صص ۱۹۶-۱۹۸
۱۲. مؤلف السیره الحلبیه بحثی بالنسبه مشیع در این زمینه با عنوان "استخفائه صلی الله علیه و آله و سلم و اصحابه فی دار الارقم بن ابی الارقم رضی الله تعالی عنهما..." آورده است؛ ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۷؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۲۸
۱۳. برای بحثی در این زمینه ر.ک. الحربی، صص ۳۴۹-۳۵۹؛ ابن اسحاق بخشهایی از سیره معروف خود را به مطالبی با عناوین زیر اختصاص داده است: "عداوه المشرکین" (صص ۱۲۸-۱۳۴)، "ما نال اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم من البلاء و الجهد" (صص ۱۳۵-۱۴۰)، "من عذب فی الله بمکه من المؤمنین" (صص ۱۶۹-۱۷۳)، "ما نال المسلمین من الاذی" (صص ۱۷۳-۱۷۵)، "محاولة المشرکین لمنع النبی من تبلیغ الدین" (صص ۱۸۷-۱۸۸)، "ما لقی النبی من اذی قومه" (صص ۳۱۲-۳۱۴). کاندهلوی نیز باب سوم کتاب حیاة الصحابه را به "باب تحمل الشدائد فی الله" اختصاص داده است و در این باب از مطالبی چون "تحمله علیه السلام لشدائد فی الدعوه" (صص ۲۵۵-۲۷۳) و "تحمل الصحابه الشدائد فی الدعوه" (صص ۲۷۳-۳۰۱)، "تحمل شده العطش فی الدعوه" (صص ۳۲۴-۳۲۵) و مانند آن سخن گفته است. بخشهایی از این شدائد به شکنجه‌ها و سختگیری‌های مشرکان نسبت به تازه مسلمانان در مکه مربوط است.
۱۴. برای بحثی در این زمینه ر.ک. حمزه، صص ۱۳۰-۱۳۲
۱۵. مؤلف السیره الحلبیه نمونه‌های زیادی را در این زمینه ذکر کرده است، ر.ک. الحلبی الشافعی، ج ۱، ص ۲۹۱ به بعد
۱۶. برای رعایت تناسب حجم مقاله با فصلنامه بحث مبسوط مربوط به کارکردهای فرهنگی - ارتباطی قرآن از متن مقاله حذف شده است و امید است در فرصتی دیگر در لباس مقاله‌ای مستقل ارائه شود.
۱۷. در این زمینه ر.ک. رهبر. صص ۳۶۶-۴۸۷؛ سید محمد، صص ۷۱-۷۷
۱۸. نجیب، الأعلام فی ضوء الاسلام، صص ۱۴۰-۱۴۱ درباره اذان یکی از مستشرقان پیشینه آن را در یکی از عبادات مسیحیان یافته است و همو احتمال راه یافتن اذان از نماز عشاء ربانی یهودیان را نیز منتفی ندانسته است (مدخل ADHAN در EI2). درباره اقامه نیز برخی از مستشرقان اعتقاد دارند که مسلمانان آن را از آیین یهودیان الهام گرفته‌اند (مدخل IKAMA در EI2). این نکته صرف نظر از بطلان ادعای تأثیرپذیری دین اسلام از ادیان پیشین و غفلت

مستشرقان از وحدت منشأ ادیان که می‌تواند به اشتراکاتی در آیین و آداب بینجامد نشان دهنده نوعی اشتراک در میان ادیان توحیدی در زمینه این روش تبلیغی است.

۱۹. ابن اسحاق، ص ۲۱۵ با عنوان "قصه النبی صلی الله علیه لما عرض نفسه علی العرب؛ ابن هشام، ج ۲، صص ۶۴-۷۱؛ کاندهلوی ذیل عناوین همچون "الدعوه للافراد و الاشخاص" (صص ۴۵-۶۴)، "الدعوه علی الجماعه" (صص ۶۸-۷۱)؛ "الدعوه علی الجامع" (صص ۷۲-۷۳)، "الدعوه فی مراسم الحج و علی قبائل الاعراب" (صص ۷۳-۸۸) مطالبی را در این زمینه مطرح ساخته است؛ حمزه، صص ۷۵-۸۱ با عنوان الاتصال شخصی و الجمعی و اثره فی نشر الدین و جمع کلمه المسلمین و نیز صص ۱۲۲-۱۲۴.

۲۰. "فاجمعوا فیہ رایا واحدا و لاتختلفوا فیکذب بعضکم بعضا و یرد قولکم بعضه بعضاً" ابن هشام، ۱، ۲۸۸

۲۱. درباره خطبه در عصر پیامبر می‌توانید به منابع زیر مراجعه نمایید: مدخل KHUTBA در EI2؛ ضیایی، آیین سخنوری و نگرشی بر تاریخ آن

۲۲. درباره جایگاه معرفی اسوه و الگوی قرآنی در دعوت پیامبر ر.ک. عبدالعزیز، ص ۸۱ و بعد از آن و صص ۱۰۹-۱۲۲ و نیز برای بررسی بالنسبه جماعی در این زمینه ر.ک. عباسی مقدم، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت؛ حمزه، صص ۶۵-۷۴

۲۳. برای بحثی بالنسبه تفصیل و تحلیلی ر.ک. الحربی صص ۳۷۸-۳۸۸ وی هجرت به حبشه را نتیجه یک بررسی عمیق و دقیق شمرده است. درباره پاسخ به پرسشهایی در زمینه هجرت به حبشه همچنین ر.ک. ابوخلیل، صص ۲۸-۳۳.

۲۴. ابن هشام، ج ۲، ص ۱۲ و برای اطلاع از ادامه ماجرا نیز به صفحات بعد همین منبع مراجعه کنید.

۲۵. برای بحثی کوتاه درباره حکمت سبقت جستن محرومان و مستعفان برای پذیرش اسلام، ر.ک. الحربی، صص ۱۸۹-۱۹۱

۲۶. طبرسی، اعلام الوری، صص ۴۵-۴۶؛ الحاکم النیسابوری، ج ۲، ۶۲۳-۶۲۴ (وی متن نامه را نقل کرده ولی از نام و حمایت از جعفر در آن ذکری به میان نیست) و به نقل از آنها یوسفی غروی، موسوعه التاریخ الاسلامی، ص ۵۶۷.

۲۷. برای بحثی درباره تربیت دعوات و مبلغان در مرحله مکی ر.ک. الحربی، صص ۳۹۹-۴۱۰.

۲۸. برای بحثی در این زمینه ر.ک. حمزه، ص ۱۰۵

۲۹. برای بحثی درباره نتایج دعوت مکی از نظر تربیت نیرو ر.ک. الحربی، صص ۴۳۹-۴۴۵

۳۰. برای اطلاع از مفاد این پیمانها ر.ک. ابن هشام، ج ۲، ص ۷۵ و ص ۸۴

۳۱. ثم ان الاسلام جعل يفتشو بمكه فى قبائل قريش فى الرجال والنساء. ابن هشام، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳۲. ابن هشام، ج ۲، صص ۷۲-۷۳: "فلما قدموا المدينة الى قومهم ذكروا لهم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و دعوهم الى الاسلام حتى فشا فيهم، فلم يبق دار من دور الانصار الا و فيها ذكر من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم؛ طبرى، ج ۲، ص ۸۷.

۳۳. طبرى، ج ۲، ص ۹۵: ثم انه جاء رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من المدينة سبعون نقيباً رؤؤس الذين اسلموا فوافوه بالحج فبايعوه بالعقبه.

منابع:

۱. آرنولد، سر توماس، تاريخ گسترش اسلام، ترجمه: ابوالفضل عزتى. تهران: دانشگاه. تهران، ۱۳۵۸ ش.
۲. آل فقيه، الشيخ محمد جواد. عمار بن ياسر. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات. ۱۴۱۲ ق. / ۱۹۹۲ م.
۳. آل نواب، عبدالرب نواب الدين. الدعوه الى الله تعالى: دراسه مستوحاه من سوره النمل. بيروت: الدار الشاميه، دمشق: دار القلم، ط ۱، ۱۴۱۰ ق. / ۱۹۹۰ م.
۴. ابن اسحاق بن يسار، محمد. سيره ابن اسحاق المسماه بكتاب المبتدأ و المبعث و المغازى. تحقيق و تعليق محمد حميدالله. قويه: اداره النشر و التوزيع. ۱۴۰۱ ق. / ۱۹۸۱ م.
۵. ابن حجر العسقلانى، شهاب الدين ابوالفضل احمد بن على. الاصابه فى تمييز الصحابه. بيروت: دار احياء التراث العربى (افست از نسخه چاپ مراکش در سال ۱۳۲۸ ق.)
۶. ابن سعد، الطبقات الكبرى. ۸ جلد. بيروت: دار احياء التراث العربى. ۱۴۵۲ ق. / ۱۹۸۵ م.
۷. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله. الاستيعاب فى معرفه الاصحاب (فى هامش الاصابه فى تمييز الصحابه) بيروت: دار احياء التراث العربى (افست از روى نسخه چاپ مراکش در سال ۱۳۲۸ ق.)

۸. ابن القيم الجوزی، زاد المعارف فی هدی خیر العباد. راجعه و قدم له: طه عبدالرؤف، القاهره: مصطفى الحلبي، ۱۳۹۰.
۹. ابن قيم الجوزیه، شمس الدين محمد بن ابی بکر بن ایوب الزرعی الدمشقی، التبیان فی اقسام القرآن. بیروت: عالم الكتب، بی تا.
۱۰. ابن کثیر، ابوالفداء، البدايه و النهايه. بیروت: مكتبة المعارف؛ اریاض: مكتبة النصر؛ ط ۱، ۱۹۶۶ م.
۱۱. ابن منظور افریقی، العلامة محمد بن مکرم. لسان العرب. نسقه و علق علیه و وضع فهارسه: علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ط ۱، ۱۹۸۸ م. / ۱۴۰۸ ق.
۱۲. ابن هشام. السیره النبویه، ج ۱ و ۲. حققها و ضبطها و شرحها و وضع فهارسها: مصطفى السقا، ابراهیم الانباری، عبدالحفیظ شلیبی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا
۱۳. ابوخلیل، شوقی. الهجرة: حدث غیرمجرى التاريخ. [دمشق]: دار الفکر، بی تا
۱۴. ابوزهره، محمد. خاتم پیامبران، ۳ ج. ترجمه: حسین صابری. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۵. الالوزی، آدم عبدالله. تاریخ الدعوه الاسلامیه: من الامس الى اليوم. بیروت: دار مكتبة الحیاء، بی تا
۱۶. بخاری، ابو عبدالله. صحیح البخاری بشرح الکرمانی، ج ۱۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ ق. / ۱۹۸۱ م.
۱۷. البستانی، محمود. دراسات فنیه فی قصص القرآن. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ط ۱، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی. انساب الاشراف، ج ۱. تحقیق: محمد حمیدالله. بی جا: معهد المخطوطات بجامعه الدول العربیه بالاشتراک مع دار المعارف بمصر، بی تا
۱۹. الجندی، انور. آفاق جدیده للدعوه الاسلامیه فی عالم الغرب. بیروت: موسسه ارساله، ط ۳، ۱۴۰۷ ق. / ۱۹۸۷ م.
۲۰. الحاکم النیشابوری، الحافظ ابو عبدالله. المستدرک علی الصحیحین (و بذیلہ التخلیص للحافظ الذهبی). حلب: مكتب المطبوعات الاسلامیه؛ بیروت: محمد امین، دمج، بی تا

۲۱. الحربی، علی بن جابر. منهج الدعوه النبویه فی المرحله المکیه. القاهره: الزهراء للإعلام العربی، ط ۱، ۱۴۰۶ ق. ۱۹۸۶ م.
۲۲. الحلبي الشافعی، علی بن برهان‌الدین. انسان العیون فی سیره الامین المأمون (معروف به السیره الحلبيه) و بهامشها السیره النبویه و الآثار المحمدیه للسید احمد زینی دحلان. بیروت: المكتبة الاسلامیه، بی تا
۲۳. حمزه، عبداللطیف. الاعلام فی صدر الاسلام. القاهره: دار الفكر العربی ۱۹۷۸ م.
۲۴. خندان، محسن. تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۴.
۲۵. الراغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. تحقیق و ضبط: محمد سید کیلانی. تهران: کتابفروشی مرتضوی، ج ۲، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. الذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء، ج ۳. تحقیق: ابوسعید عمر بن غرامه العمروی. بیروت: دارالفکر. ط ۱، ۱۴۱۷ ق. / ۱۹۹۷ م
۲۷. رهبر، محمدتقی. پژوهشی در تبلیغ. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۱
۲۸. سابق، السید. دعوه الاسلام. بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۵ ق. / ۱۹۸۵ م.
۲۹. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. الجامع الصغیر. (مختصر شرح الجامع الصغیر للمناوی علی ید مصطفی محمد عماره)، ج ۲. القاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ط ۱، ۱۳۷۳ ق. / ۱۹۵۴ م.
۳۰. سید محمد، محمد. المسئولیه الاعلامیه فی الاسلام. قاهره: مکتبه الخانجی؛ الرياض: دار الرفاعی، ط ۱، ۱۴۰۳ ق. / ۱۹۸۳ م.
۳۱. شلبی، رؤوف، الدعوه الاسلامیه. القاهره: مجمع البحوث العلمیه، ص ۱۳۹۴
۳۲. الشوکانی، محمد بن علی. فتح القدر الجامع بین فنی الروایه و الدرایه من علم التفسیر، ج ۴. بی جا: دارالفکر، بی تا.
۳۳. ضیایی، علی اکبر. آیین سخنوری و نگرشی بر تاریخ آن. تهران: امیرکبیر، ج ۱، ۱۳۷۳ ش.
۳۴. طباطبائی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲۰. م: جماعه المدرسین.

۳۵. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵. قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ط ۱، ۱۴
۳۶. الطبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. اعلام الوری باعلام الهدی. صححه و علق علیه: علی اکبر الغفاری. بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۹ق. / ۱۸۷۹م.
۳۷. طبری، محمد بن جریر. تاریخ الامم و الملوک، ج ۲. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات. بی تا
۳۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۱۸. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۷ق. / ۱۹۸۷م.
۳۹. عباسی مقدم، مصطفی. نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۱ ش.
۴۰. عبدالعزیز، جمعه امین. الدعوه: قواعد و اصول. الاسکندریه: دارالدعوه، ط ۲، ۱۴۰۹ق. / ۱۹۸۹م.
۴۱. عزتی، ابوالفضل. مقدمه‌ای بر تاریخ و علل و فلسفه نشر اسلام. [تبریز]: انجمن علمی - مذهبی دانشگاه آذربایجان، ۱۳۵۴ ش.
۴۲. علوان، عبدالله ناصح. وجوب تبلیغ الدعوه: فضل الدعوه و الدعاه. القاهره و بیروت: دارالسلام، ط ۲، ۱۴۰۶ق. / ۱۹۸۶م.
۴۳. عماره، مصطفی محمد. مختصر شرح الجامع الصغیر للمناوی، ۲ ج. القاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ط ۱، ۱۳۷۳ق. / ۱۹۵۴م.
۴۴. لوش، احمد احمد. الدعوه الاسلامیه: اصولها و وسائلها. القاهره: دار الکتب المصری، ط ۲، ۱۴۰۷ق. / ۱۹۸۷م.
۴۵. فارسی، جلال الدین. پیامبری و انقلاب. قم: امید، بی تا
۴۶. الفخر الرازی، التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ط ۳، بی تا
۴۷. فضل الله، سید محمدحسین. گامهایی در راه تبلیغ. ترجمه: احمد بهشتی. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۴۸. فضل الله، سیدمحمد حسین. خطوات علی طریق الاسلام. بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق

۴۹. الکاندهلوی، محمد یوسف. حیاة الصحابه. بی جا: دار الفکر، ط ۱، ۱۳۹۴ق. / ۱۹۷۴م.
۵۰. کحیل، عبدالوهاب. نگرشی بر جنگ روانی در صدر اسلام. ترجمه: محمد تقی رهبر. تهران: بنیاد بعثت، چ ۱، ۱۳۷۴ ش.
۵۱. المدخلی، ربیع بن هادی. منهج الانبیاء فی الدعوه الی اللعه فیہ الحکمه و العقل. الکویت: الدار السلفیه، ط ۱، ۱۴۰۶ق. / ۱۹۸۶م.
۵۲. المصری، جمیل عبدالله. تاریخ الدعوه الاسلامیه فی زمن الرسول (ص) و الخلفاء الراشدين. المدینة المنوره: مکتبه الدار، ط ۱، ۱۴۰۷ق. / ۱۹۸۷م.
۵۳. المصری، محمد امین. سبیل الساعوه الاسلامیه. کویت: دار الارقم، ط ۱، ۱۴۰۰ق. / ۱۹۸۰م.
۵۴. مولانا، حمید. اهداف و مقاصد تبلیغ از نقطه نظر (دیدگاه) اسلامی در جهت یک تئوری (فرضیه) در مورد ارتباطات و اخلاق. تهران: هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۵۵. الواحدی النسابوری ابوالحسن علی بن احمد. اسباب النزول. قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۸ ش. (افست)
۵۶. ونسنگ، ارنست یان. المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، ۸ ج. استانبول: دارالدعوه، ۱۹۸۸ م.
۵۷. الیوسفی الغروی، محمد هادی. موسوعه التاریخ الاسلامی، العصر النبوی، العهد المکی، ج ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ط ۱، ۱۴۱۷ق.
58. *The Oxford Encyclopedia of Modern Islamic World*. Editor in chief: John L.Eposito. Newyork; Oxford: Oxford Univrsity Press, 1995.
59. *The Encyclopdia Of Islam*, New Edition. Leiden: Brill, 1986-1997